جنون هشیاری

درنسبت داریوش شایگان وادبیات

تشابهات وتخیل

پارسا شهری: پیش از تألیف و انتشار کتاب «فانوس جادویی زمان» که نگاهی است به رمان در «جستجوی زمان ازدست‌رفته» اثر مارسل پروست، داریوش شایگان سراغ دیگر برتره مدرن مهم ادبیات فرانسه یعنی شارل بودلر، موسیس شعر مدرن رفته و کتاب «جنون هشیاری» بحثی دراره اندیشه و هنر شارل بودلر را تألیف کرده و درآورده بود. شایگان البته هرگز با ادبیات و هنر بیگانه نبوده است اما در این دو کتاب و نیز در کتاب «پنج اقلیم حضور» به‌طور مستقیم به ادبیات پرداخته است و از این‌رو به این آثار در پیوند و گسستی با دیگر آثار شایگان قرار دارد و جایگاهی خاص پیدا می‌کند. او معتقد است، آدم از ادبیات بیشتر یاد می‌گیرد تا از فلسفه. خودش می‌نویسد، شخصیت چندپاره بودلر از جوانی ذهن شایگان را درگیر می‌کند اما این گزاره که «بودلر هم گسست اسم انقلاب و آغاز»، او را به نوشتن از بودلر فرامی‌خواند و او مسیر نوشتن از ادبیات را با انتخاب بودلر، شاعر تناقضات آغاز می‌کند تا می‌رسد به پروست. رمان‌نویسی که به‌اعتبار تنها رمانش، «در جستجوی زمان ازدست‌رفته» مهم‌ترین اثر ادبی یک‌قرن را خلق می‌کند. «جنون هشیاری» تألیف شایگان نه فصل دارد. مؤلف در پیشگفتار کتاب، هدف خود از این کتاب را معرفی شاعری برنفود از فرانسه قرن نوزدهم می‌خواند که با فرانکشتن از مرزهای زبانی به شاعری اروپایی بدل شد. و طنین پاینده و پرتوان شعرش گستره تاریخ را مقهور خود ساخت. در فصلی از کتاب با عنوان «ارتعاش جدید در عالم شعر»، شایگان از تفاوت دید بودلر با دیگر معاصرانش می‌نویسد. تفاوتی که موجب خلق شعر مدرن به اندیکاتورین شکل ممکن شد. بعد، مولف به شخصیت چندوجهی و صفات متناقض بودلر در فصل بعد می‌پردازد. خصیصه‌ای که موجب شد بودلر را با انواع القاب بخوانند و به مکاتب مختلفی مرتبط بدانند. شاعر کلاسیک، شاعر مرتجع، شاعر ملعون، شاعر مدرن، شاعر پست‌مدرن و از این دست. «تشابهات و تخیل»، فصل دیگر کتاب به نسبت بودلر و طبیعت می‌پردازد: «طبیعت نه چیزی بیرونی و قائم به ذات، که همان منبع عظیم و غنی تشابهات است که تخیل را به پویندگی وامی‌دارد». اما از فصل‌های خواندنی کتاب که حاکی از نگاه دوباره شایگان نیز هست فصلی است با عنوان «بودلر از نگاه والتر بنیامین». در این فصل شایگان به‌تعبیری در مقام پاسخ و ادامه راه زدنی بر نقدها و نظرات مخالف نسبت به شعر و پروژه فکری بودلر برمی‌آید. آن‌هم از زبان و قول والتر بنیامین. در این فصل مؤلف به کتاب مطرح شایگان، «پاریس پایتخت قرن نوزدهم» با عنوان فرعی «پاسازها» آرجاع می‌دهد و آن را در نسبت با بودلر بازخوانی می‌کند. کتاب «شارل بودلر، شاعر غنایی در اوج کاپیتالیسم» نوشته بنیامین از دیگر آثاری است که شایگان در این فصل به‌کار می‌گیرد. او معتقد است نکرش والتر بنیامین درباره بودلر چشم‌انداز جدیدی از شعر پاریس و نقش شاعر غنایی در زمانه وی را به روی مخاطب می‌گشاید. علاوه‌براین که شعر بودلر خصیصه‌ای شوک‌آور دارد که بنیامین به‌خوبی آن را در کتاب‌های خود شرح داده است. بنیامین معتقد است در شعر بودلر با نوعی تجربه زیستی شوک مواجه می‌شویم و به‌عارتی شوک را در زندگی خود تجربه می‌کنیم. از دیگر مفاهیمی که شایگان از بنیامین اخذ می‌کند و اشاراتی به آن می‌آورد، ایده «فلانوری» است. از تغییرات مهم بنیامین که ملهم از بودلر است، از نگاه قابل تأمل کتاب یکی این است که شایگان جز اشعار بودلر آثار دیگری در اولویت قرار نمی‌دهد. او معتقد است نکرش والتر بنیامین در فصل بعد با عنوان «بودلر و اروپا» به‌نوعی از تعامل و تقابل میان اشعار بودلر و اروپا می‌پردازد. خصیصه‌ای که به‌خوبی از نسبت و در کتاب «پنج اقلیم حضور» به‌طور مستقیم به ادبیات پرداخته است و از این‌رو